

کمیته

ناشر افکار و مدافع حقوق کارمندان دولت

شنبه

۸ اردیبهشت ماه ۱۳۴۵
۴۸ - آوریل ۱۹۶۶

بوضع رقت انگیز کارمندان

توجه کنید و لاف نمت به پرداخت اضافات و ترفیحات این طبقه بذل توجه نصیاید؟
کسانی که سرسام آور هزینه زندگی و پلادرفتن سطح قیمت ها مخصوصاً در مورد ضروریات زندگی و کمترین اقرب باقیات مردم را بستوار آورده است میان درآمدهای ناچیز و هزینه های کمر شکن از زمین تا آسمان اختلاف است و همین اختلاف ناشی کمر هدی مردم را دوزخ سنگینی و نشار کشته کرانی خشم کرده است.

طبقه ای که در میان ملت ما از همی طبقات دیگر ازین وضع رنج می برد و کارهای باستخوان و عسوی اکثریت قریب دولت است. زیرا این ها بایک درآمدها معین و محدود مجبورند زندگی عائله ای را اداره کنند. واضح تر صحبت کنیم چندی قبل صدای از کارمندان طی نامه ای بعنوان آقای نخست وزیر با مطالب شده و ارتقا بنده و گویایی یک حساب دقیق کرده بودند که بدینست عین آنرا برای نشان دادن وضع بیچارگی و فلاکت این طبقه که آنهم قبل از قوس صعودی رخ اجناس و مواد است (عینا نقل کنیم. عین نامه چنین بود:

جناب آقای نخست وزیر، توجه آنجناب را بشرح زندگی یک نفر کارمند اداری که دارای حداکثر پایه هفت و ۲۰۰ ریال حقوق و کمکی باشد و متحمل مخارج حداقل شش نفر عائله است ذیلا معطوف و در صورتیکه عرایض اینجا بنام امضاء کنندگان مفروض بحقیقت است استدعا می شود در رسیدگی نسبت به تغییر اشل و تطبیق آن با هزینه زندگی و پرداخت اضافات و ترفیحات و مزایای استحقاقی را داریم.

۱- کرایه و اطاق محقر در ماه ۸۰۰ ریال
۲- گوشت برای هفت نفر در روز یک کیلو در یک ماه ۱۲۰۰ ریال (نهاده و ضایعات در ماه ۱۱)

۳- نان و تافتون در روز برای هر نفر ۴ دانه ماهیانه ۱۰۰ ریال
۴- تندو جای در ماه ۲۵۰ ریال (حالا که کران شده قطعاً کمتر می خورد)
۵- مخلفات آبگوشت از تزیین بخود لوبیا و سبزی زمینی و بیاز و غیره و برای هر هفت نفر در روز در یک ماه ۳۰۰ ریال
۶- نفت برای روشنایی ماهی ۱۵۰ ریال (روزی پنج ریال)
۷- هیوز و ذغال برای پخت و پز روزی هشت ریال در ماه ۲۴ ریال
۸- سیکار اشتوبک پاکت در روز ۳ ریال (حالا که کران شده لابد کمتر می کشند)
ولی باعنا وضع کمتر در ماه ۹۰۰ ریال

۹- آب آشامیدنی و آبغیر آشامیدنی و سایرین بلیا شومی جمعا برای همه در ماه ۲۹۰ ریال
۱۰- پتیر ناشائی برای هر هفت نفر روزی یک روز و نیم (نفری چندمقتل ۱۱) ماهی ۱۳۵ ریال

۱۱- اگر این ارتقا و امانتیا جمع کنند کل ۴۰۰ ریال حقوق پایه هفت ریک کارمند عسول تمام است. اما منوسندگان نامه می رسد و بعضا جاب تری اشاره کرده اند که شش آن خورن در عروق انسان (اگر خونی در بدن آنها مانده باشد)

مجلس نوزدهم وزنان ایران در دوره نوزدهم به زنان ایران حقوق و آزادی های بیشتری اعطاء خواهد شد

بهذا بار کشت اعلیحضرت عالیجناب شاهنشاه از مسافرت هندوستان و متشادهی ترفیحات زنان هندو مخصوصاً با تعلق به این که معظم له نسبت به شرفیخت زنان ایران فرموده بودند این فکر در میان بانوان ایران بوجود آمد که برای کسب حقوق و آزادی های بیشتری دست بفالیت بزنند تا آنجا که در خلال اخذ آراء در تهران در چند نقطه صدای از بانوان اراد داشتند و با نشانند نشانند آزادی های قانونی در انتخابات شرکت نموده و هم دوش مردان رای بدهند طبق اطلاعی که خبر نگاران ما بدست آورده اند این اقدامات و فعالیت ها از طرف

بیانات آقای ناصر ذوالفقاری معاون نخست وزیر

و سرپرست اداره کل تبلیغات بمناسبت آغاز هفدهمین سال تاسیس رادیو تهران

شود بر قدرت و عظمت و حیثیت ملت افزوده شده است.
البته در گذشته بعلی که بر آن واقفیم برای تقویت این دستگاه آفره ها توجیه نشده بود و سالیان بلاتکلیفی گذشته فرصتی نگذاشته بود که فرستنده های قوی و مجهزی برای تهیه درصفاً

تاسیس اداره کل تدارکات

بطوریکه خواننده کانارجند اطلاع دارند در سال گذشته ضمن پیششادانی که این روزها بنام وزارت دارائی قرار نمود یکی هم این بود که چه خوبت اداره ای بنام «اداره کل برادری کل کشور» تاسیس نمایند که آن اداره موظف به تهیه و تامین مستلزمات کلیه ادارات و وزارتخانه ها از قبیل قطعات و توشه اقرا و سایر نیازمندیهای دیگر باشد.
خوشبختانه این پیششادان مورد توجه دولت و ایداع امور وزارت دارائی قرار گرفت و بعد از مطالعات کافی و توجه باعینت و فواید آن تاسیس اداره مورد بالاخره بر سرله اجرا درآمد و ادواری بنام اداره کل تدارکات کشور تاسیس شد که آقای مهندس نوباری ریاست و آقای حسین وزیری ریاست حسابداری آن اداره معین شدند مانده تنها از توجیهی که به پیششادان رزمز ترفی میشود امتنان داریم. بقیه درصفاً

در دومین دوره اجرای برنامه هفت ساله چه قندهایی برداشته خواهد شد؟

انکار عمومی بطور کلی با این سازمان هرگز برنامه ای با ظفر شک و تردید نگرینت و مردم انتظار داشته که این «هفت ساله» هلا مقصد سایر دیگرهم برای مردم و مملکت مفید قایمه واقع شود.

ولی بطوریکه معائن مطلع بانوجه با اقدامات سازمان برنامه و قندهای سریع و موثری که در راه اصلاحات اساسی بسر میدارد اظهار امیدواری میکنند در دومین دوره اجرای برنامه هفت ساله ضمن قندهایی موزری که برداشته خواهد شد مین ما از نظر نیاز به چند قلم کالایی که هم اکنون واردات و صادرات ضروری ما را متراش می دهد و نیاز خواهد شد تا آنجا که ممکن است در پایان اجرای دومین دوره برنامه بقیه درصفاً

شرکت واحد چگونه و چه وقت شروع بکار می کند؟

سهام شرکت واحد را چه کسانی میخرند و وضع آبرای شرکت چگونه خواهد بود؟
سهیم باشد و شرکت های اتوبوسرانی اکثریت سهام را داشته باشند و ولی چون این بقیه درصفاً

آغاز هفدهمین سال رادیو تهران

هفته گذشته رادیو تهران هفدهمین سال تاسیس خود را آغاز کرد بگذشته های پرماجری رادیو تهران که داستان های جالب و پشیمانی و تانر انگیز و ملال آور و مضحک و خنده دار میتواند آن نقل کرداری نماید.
از دستکاهی صحبت می کنیم که در همین اوخر یعنی در همین چندماه اخیر جریان شط و خطاهای فراوان گذشته را کرده و گذشته از اینکه تواتر است با منطق قوی در برابر اتهامات توهین آمیز بیگانگان از شرف و زورگی ملت ایران دفاع کند بیچرم بقیه درصفاً

فرمایشات مولای متقیان علی (ع)

- ۱- در عهد و بیمان خود استوار باشید تا موفق گردید
- ۲- بایکدیگر الفت و دوستی و یگانگی داشته باشید
- ۳- بفض و حسد و عناق و دودویی موجب شکست هر قوم و ملتی است
- ۴- «مکر» را زبیرکی بنده ارب از این کار زبان خواهید برد.
- ۵- پیروی از هزراهی نفس شارا را از راه حق بازمیادود

همسر آینده والا حضرت شاهدخت شهناز بهلولی که از میان جوانان شایسته ایرانی انتخاب خواهد شد چه کسی است

بعد از انتخاب ملکه ایران از میان یکی از طوایف اصیل ایرانی این حسن انکس آن در میان مردم ذات شاهانه علاقمند شده اند همسر آینده والا حضرت شاهدخت شهناز بهلولی نیز از میان جوانان شایسته و اصیل ایرانی انتخاب کرد گفته میشود که ممکن است همسر آینده والا حضرت شهناز آقاسی مهندس اردشیر زاهدی فرزند سپید زاهدی باشد که هم علاوه بر احترام و جوان نثار خود را عملی ثابت کرده تا توهم نظر اصالت خانوادگی و وطن پرستی دارای امتیازات خاص میباشد برخی محافل ورود سپید زاهدی را بقیه درصفاً

سازمان جدید وزارت دارائی

هیئت های بازرسی و چهار اداره فزاداری گزارش کار خود را بوزیر دارائی تسلیم کردند
سازمان جدید ادارات و دخیات، قید و شکر، قله و درآمد ها در دست تشکیل است
روز پنجمه گذشته چهار هیئت بازرسی و وزارت دارائی که قریب بیست روز قبل از طرف وزیر داروایی مامورترین سازمان و رسیدگی فرور وزیر دارائی نمودند. هیئت های چهارگانه هر یک از مامورین با سابقه وزارت داروایی و دیگرهم بقیه درصفاً

افزافه کار و فوق العاده کارمندان ذیق پرداخت میشود

از چندی قبل فوق العاده اضافه کار عده ای از کارمندان قطع و بیا نه از این بابت و وجوب پرداخت نمیشد. بقرار اطلاع وزارت داروایی پس از معطامات و بررسی های لازم پیشنهادی بهیئت دولت تصدیق داشت که کارمندی که علاوه بر وقت مقرر اداری بانجام وظایف معومی می پردازد و همچنین کسانی که بمناسبت تصدیق مشمل خود مکلفند وظایف محو را بدون وقفه و تامل انجام داده و در غیر ساعات اداری برای انجام کارهای روزانه در کسب و بونها و سازمانهای مختلف شرکت و وظایف خود را تعقیب نمایند اضافه کار مقطوع داده شود.

قسم راست را باور کنیم یا م خرو س را؟

چرا عدا ده چی؟ از شنیدن حقایق «نشادری» شده با سمان می پردر پرت و پلا میگوید؟
«هالو» با «مطبیق قوی قوی نوری دهان» «هیاسته قلی خان» «هیگوید و اعتقاد دارد که طولی نخواهد کشید که بعد از بر چیده شدن دم و دستگاه انتخاباتی باید بر و پدو جان شین ح حیات کتر رسا بشود آیا بعد از مبارزه با ایس. مبارزه با «واهی» آغاز میشود؟
مخالفین سپید زاهدی برای ادمه مشغول پردنده سازی شده اند که اگر به تهران آمد مصدر شلفی قرار بگیرد و تولی غافل اندک
بر هم زنده حکومت و وحشت و رجاله بازی پاک تر از آنست که لکه ای

بر دامانی نشم ما!

یکی دیوار شکست. یکی ذن سلیطه و دیگری سلکهار... اما راستش امتحان نکرده بودم. هفته گذشته براتر بررسی مطالبی از «اداره آذوقه ایجان» دچار یکی از آنها شدم من فکر میکردم. بعد از تصفیه مطبوعات و طرد بکشت اوانل و او با ش و انفراده رز و در جانی آنها می هم که سابقه خوبی نمانده و متاسفانه هنوز اؤصف مطبوعات طرد نشده اند هر یک جماعت شده لاف لاکر دو باطن «آنجانی» هستند دو ظاهر پای بقیه درصفاً

بوضع ما شین نویس هاهم توجه کنید!

این طبقه که از زحمتکش ترین طبقات کارمندان دولت محروم تر و محتاج ترین آنها نیز می باشد

کشف رویه های تقلبی!

فروشی های خیابان تخت جنبید وارد شد و پس از تماشای اشیاء عتیقه یک طوفی سیکار و قرآن با جلده طلایی و جلاب بر میدارد و بعد ناگهان دست در جیب کرده و با همان لجه هندی میگوید: من پول ایرانی همراه نیآورده ام عتیقه نفوس میگوید منافع ندارد و او بقیه درصفاً

یکی دیگر از سران موثر حزب توده

در حالیکه باقیه های فریبه شده و اسکورت محافظ از خیابان میگذشت بچنتک پلیس افتاد بقیه درصفاً

بررسی جرایم

بند منطبق و استتار و طرفدار و علاقه مند به شنبین حرف حساب میباشند اما سیاسی که اون و آقا کوجو توی اداره آذربایجان اداخته بود :

بن ثابت کرد که هنوز آنطور که تصور میرفت ریشه این دلگشاکی هرزه نموده نشده است. در جریان محاسباتی که همه وحشی خودشان بان اعتراف دارند و در همین چند شماره ای که «برایش ادا نداشتند اند». بان اعتراف کرده جلالتی نوشته که فقط امثال این قافله های هفت تک و کلاش باید از دهان خارج و بر قلم چاری سازند با اینکه نویسنده این دستور علاقه مند بود روی سابقه آشنائی و سلام و علیتی که با اون «بچه های که بنام «عسقلتی خان» یا «برود پای این وادان می چسبید بدهد ولی ذکر بر شی جلات مستحقین و دور از نراکت از طرف او انجام کرد او با راهنمایی لعلی که با حرف زده اند و بزور کش کرده اند و با این سال رسیده و تعویض کرده اند ۱۸۱۱ صحت کت و ادبیت بمدافعت ایستکه گفته اند.

چونکه بن «کورد» سر وکلارت نناد پس زبان کودکی باید کشاد نجاوردم باز بانی که بقصد پسا او صحت کتم قلم می کشی وادی رمان علی که بان اشاره نموده است. اینک با پیروزی نامه) جواب بیشتری لازم نباشد . از طرف دیگر با «بچه ای که به «لر فرنگی» ادرات بود و باید با نامی طرف شده تا زیاد توی دوشش نخورد!

بهر حال ... ما نوشته بودیم سابق بر این با مجارمه وکیل میشدند ولی حالوری قهر مرده ها «می تنگ» میدهند اما «عسقلتی خان» که بسا راه افتادند «موتنی» «اراده آذربایجان روزانه» و لغت ویس از این «خوان انتخاباتی» به کرد و نوانی میدهند چنان از کوره درفته بود که بقول خودش «مختیاب معدم» را بصورت اواده آذربایجان مایله بود و نوشته مارا اهانت برسد میوری قلند کرده بود که در شماره روز بعد پورتنا از آنرا «باعتساق و تفصیلات» چاپ زده و ذیل آن طی سر مقاله ای چنین نوشته بود : «آن آراء با موافقت دود محیط نظم و ترتیب توام باجنب و جوش و استقبال عمومی « بخصوص طبقه کارگر و نجبر» با ایجابات و نماندگان طبقه زحمتکش امثال جنابان آقا سنان نفیسی خراسانی - اخوان کوروس و افشار چند روز دیگر پسندلی و کرامت تنگ کرده و در اجاری «خواستهای مشروع این طبقه محروم» قندهای موثری بر خوانند داشت!

... بعد از معرفی «جماعت طبقه زحمت کش» اشاره به منظر نظری از کابوهای ملو از کارگران نسوده و چنین اضافه کرده بود : خوشبختانه دوروا کردن این عده بر سر مندوزها ... نه نفوذ دولت نه روسای مربوطه و نه مقامات موثره مملکتی هیچگونه مدخلیتی نداشته اند و کابوهای ملو ازها تنهایی و اگر ملاحظه مفرمانیه قطعاً مستلزم معاوضاتی است از جمله کرایه اشتغالز در هر ساعت شصت دینار و طبق «اطلاع موق» «کارگران» و «روز دود آمد خود را (کدام در آمد را) وقف مخارج این امر خیرحیاتی کرده (و با بروی تمام افزوده بود که همه تمام مخارج او با کمال قنوت و چشماندازی از جیب مبارکشان برداخت کرده اند!

حالا معلوم نیست آن دفاع و حمله هتاک رادوبال ذکر حقایق باید از این چنین که خورده با بود کرده - پای بنقل و اضطراری ای که از کابوهای ملو از حمتکشان خود معنی داشته ؛ خوب چه میشود کرد ؟ بعد از اینکه به کتک های انتخاباتی متوسل میشد «لاسلول» به مانده بود جواب کافذ فروش باقی مانده راجع با معنی و جنبه ایها با کمال مسافرت «اضطراری» نشود داد ؛ اینهم از کارهای یک روزنامه ای که بقضای فصل ((رویداد)) واژونک و سرخاش معلوم است که قبل از از این ((سرخاش)) دین و حمت را بر سرخواهد کشید !

برای این که در این پیش بینی از نظر سایر همکاران هم استفاده کرده باشیم مطلبی را که همکار اوچند ما ((فرمان)) در همین زمینه نوشته نقل می کنیم : « (اراده آذربایجان)) را بصدا

نامی روزنامه ها و از آن مهترگی مطلب و سوزهای دلچسپ نویسنده دوز نام ((اراده آذربایجان)) را بصدا

باز هم در اطراف

جریان معاملات این اداره وارد است آنجا را ارت پدر خسود تصور نمود و برای معاملات سرقتی قائل شده اند تا آنجا که ممکن نیست یک نفر بیستکار تازه وارد (غیرا افراد باندهود شان قدرت تریک شدن و شرکت در معاملات این اداره واداشته اند.

طرز عمل و جریان سوء استفاده این عده با این فراوات که اولاً هنگام شرکت مناقصات چند نفر که همه با هم شرکت دارند در کمیسیون حاضر میشوند و با کمک و زور یکی اولی ملا کرد و از کاپوتی ۱۸۰۰ ریال نرخ می دهد و بعد از یکمک و ظاهر می که در خارج ترین کرده اند و آخر با فرضا کیلوی ۱۶۰۰ ریال و ۱۵۰۰ ریال بیشتر مناصه میوریند همینطور و ماست چرخ کرده و بجای ماست تازه و بقیه با هم به ترتیب هنگام تحویل جنس می تصور میکنند کارکنان در ورشته داری بی اطلاع باشند که چه می کنند و در وقت دادن اجناس هم فاسد ترین نوع آبراکه به علت خدا نی اوزد تواری می دهند

دیس سرورشته داری هم که کف دستش را و بیکه این می شود که ماست چرخ کرده و آبجی ماست تازه کسوی بخند را پاش و ب کوچه فرنگی و سبزی کندیده راجعای سبزی مرغوب خرمای مرغوب و آبجی خرمای مرغوب با تفاوت قیمت های کلان تحویل میدهند و از این راه باسانی از صندوق دولت و بیمه کارکنان افراد به تروتهای شرش میروند. هاضور که در شماره گذشته مطلع دادیم از نظر جلوگیری از تقلبات این اشخاص و حفظ حقوق دولت در صورتی این ریاست محترم سرورشته داری بخوانند اطلاعات بیشتری با مستشاران سر محاسنیم فقط و فقط برای حفظ حقوق دولت و توجه اولیا و امور سرورشته داری اطلاعاتی را که در این مورد در اختیار ما نگذاشته اند در اختیارشان بگذاریم که لااقل اگر با همین افراد هم میخوانند معامله کنند دچار خسارت نشوند و کالاهای نامرغوب تحویل نگیرند.

این مسئله ممکن است در ظاهر کم اهمیت باشد ولی به نظر ما چون علاوه بر آنکه بعضی از افراد باسلط و باسلط افراد ارتش ارتباط دارد کارهای کم اهمیت است و امیدواریم کمیسیون سریش منض با دقت و وسیدی بیشتری در مورد مطالب فوق تحقیقات لازم را بفرمایند و بعد از وقوف کامل بصحت نوشته های ما هرگونه که مقتضی بداند اتخاذ تصمیم نماید

اشاره به بطنی از روزنامه واهمه که نوشته است. مخالفین سپهزاده می دوسد بر آمده اند که برای سپهزاده میرونده ای بسازند تا اگر ایشان پشیمان بیاید مبدا مصدرشلی قرار بگیرند کرده جواب می گوید . رفیق وادامه نکن سپهزاده می تقصه ضعیفی ندارد که بتوانند برای او پاپوشی درست کنند و اگر ممکن بود تاکنون پاپوش ساخته بودند سپهزاده می در آن خدمت می به شاهنشاه و کشور کرده است دارای شخصیتی شده است که با پرونده سازی و پاپوش دوزی نمی توان اعظمش داد کاست و هر کسی باین فکر بیفتد که او را لکه داو کند مچ خود را باز کرده است و بی بریده باد آن حلق و دهان

که کند تقوی سلف ماه آسمان ممکن است جناح پرواز است حزب توده که جوش سیاست شمال و جنوب ایران است از سپهزاده می داغ نداشته باشد ولی هر ایرانی را شرمندگی که حکومت وحشت صدق و مخرج حزب توده را باخطر بیاورد و آرزوی سالی و موخرش را فراموش کرده باشد و در سخت بیابود و یک سر باز دایر چگونه در اجاری امر شاهنشاه کوشید و از آن عمر که بدستان خر دجال و گاو سامری شباهت داشت یک کشورمان و قوی و قنی دست کرد باوش ایران و شاهنشاه که فرمانده عالی ارتش است دود خواهد فرستاد.

سپهزاده می آرزو کرده که برایش پرونده درست کرده و برای دستگیری او جایزه تعیین کردند ترسید و امروز که پرونده خدمت او یک صفحه از تاریخ دروخشان مامار را تشکیل میدهند ترسی خواهد داشت... مخلصه . «لر فرنگی»

بقیه بگی از میران

هفته گذشته یکی دیگر از سران موزر حزب توده که تازه از خارج با این آمده بود و با قافه گرم شده و اسکوتو محافظ در خیابانها عبور و مرور میکردن از یک تصادف بدنام پیام افتاد تاکنون تا یک شخص مزبور اعتراف شده ولی بطوریکه شایع است مزبور یکی از سران موزر حزب متعلقه توده میباشد و دستگیری او برای محقق نمودن انتظامی از نظر و توقف باسارام تازماری از فعالیت بقایای متعاضین ماند مهم تلقی شده است یعنی ما اجمالی می دادند شخص دکتیر شده

ادانند طبری باشد ولی بقرار اطلاع نامرید حسن مرندی معروف به بکیری بوده است احتمال داود مقامات انتظامی بد از تحقیقات لازم دستگیری همدستان او همین یکی دو روز شرح جریان را با اطلاع عموم برسانند زیرا قبلاً تحقیق و دست یافتن به همدستان شخص مزبور کشف محصل اینها و مراکز فعالیت آنان اشاعه اطلاع بیشتر ممکن است فعالیت مأمورین انتظامی را دچار وقه سازد

دوره حال دستگیری ای شخص برای دستگهارای انتظامی که موقتاً مهم دیگر دستکوب ساختن عوامل خائستکار خارجی و گرداندگان حزب منقله تسوده تلقی شده است

دو برک استکسای یکصد روپیه ای که روپیه باکستان بوده از جیبش بیرون آورده بوی میدهند . نتیجه فروش بقیه پول را با و پس میدهند و «مهاراج» (۱) چهل تومان طلبکاران شده و وقتی نتیجه فروش برای عوض کردن استکسای بیانی که مرچه می کند متوجه میشود که تقلبی است!

چند روز بعد شخصی با اسم مستعار رحمانی به عتبه فروشی که شویشل سعیدیان نام داشته مراجعه و نامه ای که «مهاراج» قلابی برای او نوشته بوی اراهه میدهد و تقاضای چهل تومان پول را می نماید . نتیجه فروش بلافاصله جریان را به مأمورین اطلاع میدهند او را دستگیر می کنند . و پرونده بشبه چهارم بازرسی فرستاده میشود ضمن بازجویی معلوم میشود اسم حقیقی او « غلامحسین فروهر [] میباشد . مأمورین از او میروند اسم او به نظرشان آشنا می آید ولی خود نمی داند که وزیرداری است !

وی در بازجویی اظهار داشته که این جانب از جلوی ملازمه می گذشت این آقای نتیجه فروش یک دو صد هکتار مثل این است که شما را می شناسم ولی این اظهار می اطلاعاتی کردم و اکنون مرا دستگیر کرده اند ! بطوریکه معلوم شد که باند مجبزه اخیر اقدام بچل و پویه های تقلبی کرده اند و تا بحال نظائر آن در چند صد مورد دیده شده است و اکنون پرونده مورد مربوطه در دادسرای تهران تحت رسیدگی است .

بیشتر زحمت کشنده کتر از آنها دچار ناواختی و عذاب نیستند . بدبختانه در قبلا کارگسین و اغلب حساسی که دارد و با حفظ اسرار دولت نیز باشته و مضمون نامه های که از زیر دست آنها می گذرد و اغلب محرمانه است با بدبختی بماند حقوق سپاروقلیل و غیر قابل توجهی یشح زردیاد و تفه میدارند

درجه ۱ ۲۰۰ ریال
درجه ۲ ۹۰۰
درجه ۳ ۸۵۰
درجه ۴ ۲۰۰
درجه ۵ ۲۰۰
درجه ۶ ۱۵۰۰
درجه ۷ ۲۰۰
درجه ۸ ۲۰۰
درجه ۹ ۱۵۰۰
درجه ۱۰ ۲۰۰
درجه ۱۱ ۲۰۰
درجه ۱۲ ۱۵۰۰

از لاهوتی

جانان من . ایمان من . ایران من : بشو آواز مرا از دور . ای جانان من ای گرمی تر ز دشمنان من اولین الهام بخش و آخرین پیمان من کشور بیرمن . اما پیر عالی شان من من جدا افتاده از پیش تو فرزند توام واه و رومای بند مهر و بیرون توام دانما گویا که سه دو آغوش دلبند توام منخلی تو عاشق تو ، آرزومند توام آرزومندم که تا بد اختر فرخنده ات در عمل آید دوباره روح دایم زنده است بهتر از بکفته باشد حالت آینه ات نور پاشانه بدینسا داش رخشنده ات پس تو هم عرض ، عرض حقیقت بشنو از این بنده ات

چه کسانی از تهران بنمایدنگی مجلس انتخاب خواهند شد هفته گذشته اخذ رأی دوتهران بطورمظم آغاز و با ترتیب شایسته ای بدون کوچکترین بی نظمی خاتمه یافت و مردم تهران در خلال این جریان بقوی رشدملی و بیادری خود را ثابت کردند .

بطوریکه خبرکاران ما از فعالیت های انتخاباتی و فراغت آراء استنباط کرده اند از هم اکنون نام دوازده نفر نمایندگان مجلس از تهران مشخص شده است و باختمان قریب به یقین این آقایان در میان سایر نامزدهای انتخاباتی شانس موفقیت خواهند داشت .

دو دکتر سیدفرید بهبهانی
۱- دکتر موسی سعید
۲- دکتر محمد شاکار
۳- دکتر محمد هدایتی
۴- دکتر افشار
۵- مهندس فروغی
۶- اخوان
۷- خراسی
۸- کوروس
۹- دکتر هیاس نفیسی
۱۰- فتح الله فرد
۱۱- فتح الله شایسته
۱۲- بدین ترتیب تصور نیروی فعالیت سایر نامزدها ؛ نتیجه برسد و اگر تکثیر دوامی صورت فوق پیدا شود بسیار جزئی و از یک دو نفر تجاوز نخواهد کرد .

اخبار و شایعات
چرا شیخ بحرین بیخدا رفته است ؟
آیا شیخ سلمان بعنوان نماینده بحرین بمجلس خواهد رفت
مؤلف شیخ بحرین بنهاد در محافل سیاسی پایتخت مورد تمسیر و تفسیر های مختلف واقع شده و اطرافات و شایعات عجیب و شنییدی بوجود آمده است سیاستمداران ایرانی میروند مسافرت او بیخدا با مذاکراتی که دوتهران بین داد که ممکن است برای نوری السعید عمل آمده بی ارتباط نیست همزمان وجود مجلس شورای ملی در بحرین انجام و شیخ سلمان بعنوان نماینده بحرین بمجلس برود اما با پیش و کینه ای که مردم بحرین نسبت به شیخ دارند تصور نیروی از مردم بحرین کسی با و رای بدهند

اعلامیه اهالی کرج و ساوجبلاغ شهرستان
دوره نوزدهم قانون گذاری مسئولیت بزرگی را بعهده داد و ملت ایران بخواست خداوند او داده ذات اقدس ملوکانه تحول عظیمی در پیشرفت صنعت و کشاورزی ایران حاصل خواهد کرد و اجرای منوبات اعلیحضرت باوینستی و کلاهی جوان و کاروان جریده خواهد شد و ما انتظار داریم آقای احمد اشتری را که شخص کلید و کاروان از خاندان چلبلی مبارز صدر مشروطیت بوده و دارای حسن شهرت محلی میباشد بسمت نمایندگی دوره نوزدهم انتخاب گردد . امید داریم تحت رهبری پادشاه جوان بخت موفق بآرزوهای قانونی خود گردیم .
بمضای عدوگفیری از اهالی کرج و ساوجبلاغ

بقیه آغاز شد همین
داود پیشقدم بزرگترین تحول فکری منی؛ مبارزه با بیاسی و ناامیدی در میان قشرهای وسیع ملت ایران شروع دو ایجاد حرارت باید در این مملکت دچار دست انداز فقرات بشود این تصمیم مهم دو گرداب فقرات فقرات و معلوم نیست سرانجام کارش بکجا بکشد .

مبارزه با بیاسی و ناامیدی در میان قشرهای وسیع ملت ایران شروع دو ایجاد حرارت باید در این مملکت دچار دست انداز فقرات بشود این تصمیم مهم دو گرداب فقرات فقرات و معلوم نیست سرانجام کارش بکجا بکشد .

